

یادداشت روز

فجر دریچه‌ای برای تعالی

مسعود کارگر

ماهیت فجر از بدو تولد منوط بر معرفت‌زایی و معرفت‌شناسی بوده است، که توسط هنر بتواند انسان را به تعهد و تعالی برساند، همانگونه که امام خمینی (ره) در این باره فرمودند: «هنر دمیدن روح تعهد در کالبد انسان‌هاست»، و این هنر مظهر ادراکی چنین مفاهیمی بوده و باید باشد.

چندسالی می‌شود از تولد جشنواره‌ای با ماهیت نمود آثار سینمایی می‌گذرد که قرار بود تولیداتی در آن بروز و ظهور پیدا کند که مناسباتی با فجر انقلاب داشته باشد. چند سال اول آن همین رویه تا حدودی به این منوال پیش رفت، اما هر چه که گذشت کمرنگ‌تر و بی‌اثر تر شد، تا آنجا که شاهد فیلم‌هایی بوده‌ایم با هزاران فرسنگ فاصله از هویت آرمانی و انقلابی و به مرور در برخی ادوار این فاصله به تقابل و ضدیت هم منجر شد و جشنواره فجر زاویه جدی با هویت اصلی خودش گرفت، تا آنجا که حتی فیلم‌هایی تولید و به نمایش درآمدند که تعارض شدیدی با مفاهیم انقلابی پیدا کردند و موجب واکنش‌های فراوانی شدند.

هنر مفهومی و معیار در سینمای ایران هنوز هم که هنوز است و بعد از چهل سال گذشتن از عمر فجر آن، شناخته و درک نشده و عمدتاً سازندگان آثار با حداقل گزاره برای این مفاهیم یا آشنا نیستند یا تمایلی به رفتن به سوی آن ندارند. این ابهام در فهم و روایت‌المان‌های انقلابی منجر به گم شدن هویت این جشنواره شده و شاهد فراز و نشیب در ارائه آن بوده‌ایم که در مقطعی فیلم‌هایی بشدت قوی و جریان ساز داشته و در ادواری با بی‌رمق‌ترین و متضادترین آثار مواجه شده‌ایم. این رویه تا دوره چهلم فجر تداوم داشته و علاوه بر اعمال سلیقه شخصی و جناحی در هر دوره، با خط مشی شخصی و انحصاری سازندگان در اعمال سوژه و تولید اثر نیز مواجه هستیم.

بزرگترین نقطه ضعف این جشنواره گم کردن هویت اصلی خود و رفتن به هر سویی در هر دوره‌ای می‌باشد، یک باتکلیفی در تعرف جایگاه! اینکه این جشنواره ملی است یا ایدئولوژی و یا تلفیق هر دو با هم، همین باتکلیفی منجر به خروجی تولیداتی در آن شده که صرفاً به نیت دیده شدن، شهرت و گیشه بوده و نردبانی برای پیشرفت در حوزه فیلم‌سازی و رقابت برای مطرح شدن بیشتر در این سازوکار و کمتر رنگ و بویی از مفاهیم متعالی و تعهد الهی انسانی در میان آثار و قصد سازندگان می‌بینیم.

باید این جشنواره به هویت و مقصود اصلی خود بازگردد و تکلیفش را با هنر متعهد، تعالی انسانی و مواجهه با ماهیت ملی روشن کند تا بتواند هم در دل همه آحاد مردم جا داشته باشد و هم اقبال طیف‌های مختلف جریان هنر و فیلمسازی را با خود همراه کند.

گفتگو با مسعود کرامتی بازیگر «شب طلایی»

اسم حاتمی کیا، دلیل حضورم در «شب طلایی» نیست

فریده مسعودی

در اجتماعی که روز به روز دچار تغییرات مثبت و منفی می‌شود، شاهد پدیده‌ای با عنوان بی‌اخلاقی هستیم که طی آن، ابتدایی‌ترین اصول انسانی و اخلاقی به تدریج کم رنگ شده و هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی در جدال با ظواهر مادی و منفعت طلبی‌های فردی کم کم از بین می‌روند. «شب طلایی» زوال اخلاق را بر پرده نقره‌ای سینما تصویر می‌کند و راوی داستان خانواده‌ایست که با فروپاشی اخلاق، مواجه می‌شود. به همین پیانه با مسعود کرامتی بازیگر اولین فیلم سینمایی یوسف حاتمی کیا به گفتگو نشستیم.

موتور بوده و همین جواب را دادم. در طول کار هم ما فقط یکی دوبار آقای ابراهیم حاتمی کیا را دیدیم که می‌آمدند و یک گوشه می‌ایستادند و از دور سلام و علیک می‌کردیم.

«شب طلایی» چه نکته‌ای دارد که ذهن مخاطب را درگیر خودش بکند؟

این فیلم، یک تلنگر است به ما آدم‌ها که خودمان را ببینیم. آدم‌های این قصه، معمولی‌اند و مخاطب می‌تواند با دیدن آن‌ها خودش را پیدا کند. اینکه ببینیم به چه سمتی می‌رویم، الان می‌بینیم که جامعه به شکل باورنکردنی و

حیرت‌انگیزی به سمت بی‌اخلاقی پیش می‌رود. کارهای زشت، قبحی ندارند و انگار عادی شده‌اند. مثلاً فردی را به عنوان اختلاس‌گر به دادگاه می‌برند و می‌گویند فلانی که بیشتر از من اختلاس کرده و انگار از اینکه به عنوان سارق و اختلاس‌گر دستگیر شده است اصلاً خجالت نمی‌کشد. انگار برای بعضی‌ها دیگر چیزی قبیح نیست. در خیابان ممکن است جلوی تو را بگیرند و کیف پولت را خالی کنند یا موبایلت را بگیرند و انگار انجام این کارها خیلی راحت و ساده شده است. این نتیجه بی‌اخلاقیست که خیلی هم خطرناک است و ما در این قصه می‌بینیم که بی‌اخلاقی‌ها چه بر سر خانواده می‌آورد. این کار شاید یک تلنگر باشد برای ما آدم‌ها که بیشتر به مقوله اخلاق فکر کنیم و نگذاریم بی‌اخلاقی‌ها تبدیل به عادت بشوند.

از تعامل بین بازیگران بگوئید؟

در این کار، تعامل و ارتباط خیلی خوبی بین عوامل برقرار بود و هیچ چالش، مشکل و تنش در پشت صحنه نداشتیم و همکاری خوبی شکل گرفت.

باشد تا نقشی را بپذیریم و حداکثر شرایط را هم به نظر من در طول زندگی بازیگری در ایران نداریم تا جایکه ممکن است برای بازیگرها یک تا دوبار پیش بیاید که پیشنهاد نقش‌هایی با شرایط خیلی خوب و تعریفی داشته باشند. در حالت معمول، وجود همین شرایط حداقلی لازم، برای ایفای نقش‌های جدید، پذیرفتنی است.

البته این صحبت به معنی این نیست که ارزش نقشم را در «شب طلایی»، کم بدانم چون بعد از مدت‌ها یک قصه خوب خواندم و یک کاراکتر خوب دیدم که دوستش داشتم و تصمیم گرفتم کار کنم.

از تجربه کار کردن با یوسف حاتمی کیا به عنوان یک کارگردان تازه کار بگوئید؟
یوسف حاتمی کیا به لحاظ حرفه‌ای به کارش مسلط بود و قصه را هم خودش نوشته بود که در تسلط بر اینکه از خروجی کار چه می‌خواهد، بی‌تاثیر نبود. از لحاظ اخلاقی هم بسیار نیکو و درجه یک بود. تنها مشکل ما، مثل سایر پروژه‌ها، درگیری‌های کرونایی بود و گاهی پیش می‌آمد که کار تعطیل بشود ولی به طور کلی، گروه خوبی داشتیم و کار، فضای خوبی داشت و برای من خاطره خوشی بود.

اسم ابراهیم حاتمی کیا چقدر در جلب اعتماد شما برای همکاری با فرزندشان که کم تجربه‌تر است، موثر بود؟

مطلقاً درگیر این مسئله نبودم که بخاطر اسم ابراهیم حاتمی کیا، بازی در فیلم پسرش را بپذیرم. از اول هم که با یوسف حاتمی کیا صحبت کردیم همین بحث شد که چقدر در تصمیم من

در مورد «شب طلایی» و شخصیتی که بازی کرده اید بگوئید؟

قصه در مورد یک خانواده است. یک مادر به همراه پسرها، عروس‌ها و نوه‌هایش. من نقش یکی از پسرها را بازی می‌کنم.

این نقش از نقش‌های قبلی شما متفاوت است؟

می‌توانم بگویم نقش خاصی بود. در این قصه به روابط یک خانواده پرداخته شده که یک جور بی‌اخلاقی و فروپاشی اخلاق در این آدم‌ها به وجود می‌آید. همه افراد خانواده، آدم‌هایی معمولی هستند که درگیر گرفتاری‌های روزمره شده‌اند و غرق در روابط خانوادگی‌اند و حواسشان نیست که چقدر آدم‌های بی‌اخلاقی شده‌اند. نمی‌توان گفت نقش متفاوت و عجیب و غریبی بود اما پرسوناژ خوبی بود، خوب نوشته شده بود و جای کار داشت و از موقعیت‌های نمایش خوبی برخوردار بود.

به نسبت تجربه‌های قبلی، این نقش برایتان چالش جدیدی داشت یا نه؟

به نظر من چنین اتفاقی به ندرت در سینمای ایران پیش می‌آید. ما آنچنان فیلمنامه‌های عجیب و غریب و متفاوتی نداریم که مدام بازیگرها را در معرض چالش‌های جدید قرار بدهد.

چه چیزی باعث شد این نقش را بپذیرید؟

«شب طلایی»، هم قصه قابل قبول و قابل دفاعی داشت و هم وقتی فیلمنامه را خواندم، کاراکتر را دوست داشتم. به طور کلی در انتخاب نقش‌هایم، اگر به زعم خودم قصه برایم قابل دفاع باشد و پرسوناژ جای کار داشته باشد نقش را می‌پذیرم. این حداقل شرایطی است که باید وجود داشته

